



دکتر حسین ابوالحسن تنهایی

پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی  
فصلنامه علمی پژوهشی

مسعودی

در پیشقراولی

علم مردم‌شناسی



سید حسین

ابوالحسن علی بن حسین بن علی بن عبدالله بن زید بن عتبۀ بن عبدالله بن عبدالرحمن بن عبدالله مسعود، در سال ۴۸۰ قمری، برابر با ۸۹۹ میلادی، در بغداد متولد شد. عبدالله مسعود که نام او به عنوان آخرین فرد در شجره خانوادگی مسعودی ذکر شده است، از صحابه پیامبر اکرم (ص) بوده است. مسعودی عمری را در سیر و سفر و مطالعه نزدیک و مستقیم جوامع گذراند و کشورها و ملل مختلفی را در آسیا و آفریقا مشاهده نمود و ذوقی آشکار به مطالعه علمی و عینی جوامع و شناخت فرهنگ‌های ملل مختلف در کارهای خویش، به ویژه کتاب مروج الذهب که مورد مطالعه ماست، نشان داد.

مسعودی پس از مسافرت‌های متعدد خود، در کشور مصر سکنی گزید و پس از چند سال زندگی یکجانشینی در مصر، در شهر فسطاط، در سال ۳۴۵ قمری، برابر با ۹۵۶ میلادی، پس از شصت و پنج سال زندگی به جهان باقی شتافت.

وی در مقدمه‌ای بسیار کوتاه بر مروج الذهب، بسیاری از عقاید علمی خویش را هویدا می‌سازد. در ادامه کار، تحلیل محتوای کتاب و مقدمه فوق را مبنای کار مطالعه خویش قرار می‌دهیم.

#### هستی‌شناسی

علاقه اصلی مسعودی دانستن از طریق دیدن و نه مجادله بود. وی مطالعه زندگی واقعی و عینی مردم و درک نکات هستی‌شناختی، باوری و ارزشی آنها را، بیشتر در خلال مشاهده بلاواسطه جامعه و فرهنگ ممکن می‌دانست. به همین روی درک نکات ظریف هستی‌شناختی وی، با ابهامی خاص روبرو است و جای بحث آن در این جا نیست. پس به خلاصه‌ای در این جستار بسنده می‌کنیم.

مسعودی مسلمان و به روایاتی گونه‌گونه و به احتمال قوی شیعی مذهب بوده است و احتمالاً در برخی اسناد که وی را معتزلی می‌خوانده‌اند او را با فردی دیگر به نام مسعودی معتزلی اشتباه گرفته‌اند. احتمال می‌رود که مسعودی صاحب مروج الذهب به مذهب شافعی که نزدیک‌ترین باور به مذهب شیعی جعفری است، تقیه می‌نموده است. زیرا که توجه کافی در نظریات مسعودی پیرامون اهمیت آل محمد (ص) نشان‌دهنده گرایش‌های بسیار روشن وی به تشیع و مذهب امامیه است. برای مثال، ضمن بحث پیرامون فرآیند خلقت تکوینی و سرانجام خلقت حضرت رسول اکرم (ص)، سخن حضرت خداوندی عز و علا خطاب به حضرت رسول (ص) را در میان تمام اسناد موجود، از سندی نقل می‌کند که به حضرت مولی الموالی علی علیه السلام می‌رسد و به گفته

خود او از دیگر اسناد از بیم «طول و تفصیل» در می‌گذرد. نگاه کنید:

«... تو برگزیده منتخبی و ودیعه نور و گنجینه هدایت من پیش تو است. بخاطر تو بطحاراً سطح و آب را روان و آسمان را بلند می‌کنم و ثواب و عقاب و بهشت و جهنم بوجود می‌آورم و خاندان ترا برای هدایت می‌گمارم و از علم نهان خود بهره‌ورشان می‌کنم تا نکته‌ای برای آنها مشکل نباشد و چیزی از آنها نهان نماند و آنها را حجت خلق و نشانه قدرت و وحدانیت خویش می‌کنم. آنگاه درباره ربوبیت و خلوص و وحدانیت از آنها شهادت گرفت و از پس این شهادت که گرفته شد انتخاب محمد (ص) و آل وی را با بصیرت خلق بیامیخت و به آنها وا نمود که هدایت با او است و نور از او است و امامت در خاندان اوست تا سنت عدل از پیش مستقر شود...»<sup>۱</sup>

سپس ادامه می‌دهد که خداوند، پس از مشاهده در خانواده آدم علیه السلام به آدم علیه السلام فرمود: «... من نور خدا را که در اصلاص پاک و شریف همی رود و بدان بر همه نورها می‌بالم از تو بیرون می‌برم و آن را ختم پیامبران می‌کنم و خاندانش را بهترین امامان جانشین قرار می‌دهم و روزگار را به دوران ایشان به‌سر می‌برم و زمین را از دعوتشان پر و به پیروان آنها منور می‌کنم...»<sup>۲</sup>

مسعودی اگرچه در بحث تقابلی پیروان نص و پیروان انتخاب درباره امر ولایت، پس از نقل و شرح مواضع مختلف و ظاهراً بدون قضاوت ارزشی، مسئله راها می‌کند، ولی در کلیه مواردی که به شرح ماجرا و قضاوت پیرامون حالات افراد می‌پردازد، خشوع و تواضعی بی‌نظیر در برابر انمه معصومین، به ویژه حضرت علی علیه السلام نشان می‌دهد و به مواردی اشاره می‌کند که ما آن‌ها را دلیل بر برتری وی در سرپرستی، هدایت و راهنمایی و سرانجام مسئله ولایت علی علیه السلام می‌دانیم. نگاه کنید:

«... فضایل و مقامات و مناقب و وصف زهد و عبادت علی علیه السلام بیشتر از آن است که در این کتاب و کتابهای دیگری گنجد و یا تفضیل آن توان گفت ... مسعودی گوید: چیزهایی که مایه فضیلت اصحاب پیغمبر خدا (ص) شده تقدیم ایمان و هجرت و یاری ... و خویشاوندی و قضاوت و فصل دعاوی و فقه و علم که علی علیه السلام از این همه بهره کامل‌تر و سهم بیشتر داشته است، بعلاوه فضایل ... برادر خواندگی...»<sup>۳</sup>

سپس به حدیث منزلت و دعای حضرت در هنگام خوردن مرغ بریان اشاره کرده و می‌افزاید که علی علیه السلام همسنگ و مانند‌ی جز پیامبر (ص) نداشت. آنگاه اضافه می‌کند: «این و فضائل دیگر از اوست و فضائلی داشت که در غیر او نبود.»<sup>۴</sup>

پس آنگاه درباره اختلاف بین اصحاب نص و اصحاب



دوران خلیفگان دیگر واپس رفته، گرچه سخن نیک آورده و از خط معنی برون نشده، اما عیب آنجاست که از فن خویش برون رفته و خارج از رشته خود بتکلف پرداخته. اگر به علوم تخصصی خود ... پرداخته و سخن کرده بود از تکلف مصون می ماند که کالایی مناسب رشته خود آورده بود ولی کمتر کسی اندازه گلیم خود داند و عیب خویش بشناسد.<sup>۱۱</sup>

پس هر گاه عالم و یا مورخ در حوزه تخصصی خویش سخن گوید و خویشتن را لباس تقوی و حکمت بپوشاند، البته در قلمروی تخصصی خویش معتبر شمرده خواهد شد. مثلاً: «تاریخ ابو جعفر محمد بن جریر طبری از همه کتابها و تألیفات سر است ... و چرا نباشد، که مؤلف آن فقیه عصر و زاهد دهر بود که فقیهان بلاد و دانایان سنت و اخبار، علم از او گرفتند.»<sup>۱۲</sup>

مسعودی علاوه بر توجه به تخصص و رعایت امانت داری، بی طرفی در گزارش داده ها را نیز معتقد و معمولاً عمل می نمود.

مردم نگاری<sup>۱۳</sup>، موضوع علم مهم ترین نکته ای که نظر علمی مسعودی را در تعیین قلمروی علم، به خود جلب می نمود می توان در دو چیز خلاصه کرد:

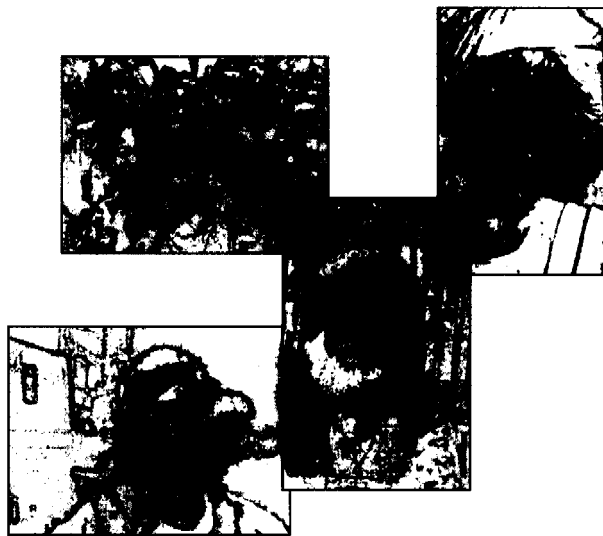
الف. دانستن، شناختن، نگارش و گزارش بی طرفانه و عینی زندگی مردم، اعم از این که نقل و یا گزارش ما به تاریخ یک قوم اشاره داشته باشد، یعنی مطالعه تاریخی<sup>۱۴</sup> و یا به زندگی کنونی مردم اشاره داشته باشد، یعنی مطالعه پیمایشی یا کنونی.<sup>۱۵</sup>

به دیگر سخن، موضوع علم مردم نگاری مسعودی که موضوع اصلی کتاب مروج الذهب وی را تشکیل می دهد، عبارت است از اشاره به نکاتی از:

«... اخبار روزگاران سلف ... که مورد حاجت است و نفوس بدانستن آن راغب، ... همه علوم و همه فنون تاریخ و رشته های حوادث را بتفصیل ...»<sup>۱۶</sup>

ب. دیگر آن که موضوع علم مردم نگاری مسعودی بررسی نکات خاص، و جوه ممیزه، اصالت های ویژه در هر فرهنگ و یا جامعه می باشد. به دیگر سخن، مسعودی سعی دارد از خلال تاریخ و روایات مانده و نیز در مشاهده احوال اجتماعی و هنجارهای فرهنگی مردم به نکاتی راه پیدا کند که نه تنها از دید دیگران پوشیده مانده یا در زمان گذشته، به دلایلی چند، مورد شناخت و گزارش در نیامده است، بلکه معرف وجه خاص و خصیصه ممیزه یک فرهنگ خاص است. نگاه کنید:

«و چیزی که مرا به تألیف این کتاب در تاریخ و اخبار جهان و حوادث سلف از سرگذشت پیمبران و شاهان و موطن اقوام و ادار کرد پیروی از رفتاری بود که عالمان



شورا، با احتیاط و رعایت تقیه و با زبانی رمزگونة می نویسد:

«... و آنچه درباره حوادث ایشان پس از پیغمبر (ص) گفته اند قطعی نیست بلکه ممکن الوقوع است و اعتقاد ما درباره آنها چنان است که گذشت و خدا بهتر می داند که چه ها بوده است...»<sup>۱۷</sup>

#### اخلاق علمی

تأکید مسعودی بر مطالعه علمی و بررسی عینی رخدادهای فرهنگی و اشکال جوامع، بیش از هر چیز دیگری در کار وی نمود پیدا کرده است، تا جایی که حتی به نوعی اخلاق علمی پایبند می شود و از خوانندگان و راویان مطالب خود نیز چشم داشتی این چنین دارد. به همین دلیل هر گونه سوء استفاده از نظریات و نوشته های خود را مستوجب بلای آسمانی می داند. نگاه کنید:

«و هر که چیزی از معانی آن را تحریف کند یا قسمتی از آن را تغییر دهد یا نکته ای از آن را محو کند یا چیزی از توضیحات آن را مشتبه یا دگرگون یا واژگون یا تباه یا مختصر کند یا به دیگری نسبت دهد یا بیفزاید از هر ملت و فرقه باشد غضب و انتقام و بلایای سخت خدا چنان بر او فرود آید که صبرش ناچیز و فکرش حیران و ...»<sup>۱۸</sup>

بنا بر نظر مسعودی، پژوهش گر می بایستی علاوه بر رعایت امانت، از حدود مطالعاتی و تخصصی خویش خارج نشود و به مطالبی بپردازد که هم تخصص وی و هم تأکید رشته معلومات وی ایجاب می کند؛ نه آنکه از هر دری سخنی گفته و در هر مقالی مداخله نماید:

«و سنان بن قره حورانی را بدیدم از فن خویش برون شده و روشی خارج از طریقت خویش گرفته ... و کتابی به عنوان رساله ای به یاران ... (و در آن از) حوادثی که مدعی است شاهد آن بوده ولی نبوده (سخن گفته) ... آنگاه به خلاف رسم اخبار و تواریخ و برون از شیوه اهل تألیف به

کرده‌اند و حکیمان داشته‌اند تا از جهان یادگاری پسندیده و دانشی منظم و کهن به جا ماند که مولفان کتابها در این زمینه موفق یا مقصر، مفصل یا مختصر نویس بوده‌اند و دیده‌ایم که حوادث بمرور زمان فزون می‌شود و با زمانه وقوع می‌یابد و تواند بود که حوادث جالب از هوشمند نهان ماند که هر که به قسمتی از آن توجه دارد.<sup>۲۷</sup>

بدین ترتیب موضوع علم مردم‌شناسی و گزارش‌های مردم‌نگاری می‌بایستی به نکات ویژه و ممیزات و ویژگی‌های تاریخی<sup>۲۸</sup> هر قوم توجه کند؛ توجه و تأکیدی که می‌تواند پژوهش‌گر را به قلمروی نسبت‌گرایی<sup>۲۹</sup> و یا ویژه‌گرایی تاریخی<sup>۳۰</sup> نیز بکشاند. توجه و تأکید بر ویژگی‌های جوامع، آن قدر در کار مسعودی جدی تلقی می‌شود و تا بدانجا نظر وی را به خود جلب می‌کند که خود او را متوجه غفلت از دیگر موارد نموده و به خاطر این غفلت، از خواننده پوزش می‌طلبد. نگاه کنید:

«اگر در این باب تقصیری رفته و یا غفلتی شده پوزش می‌خواهیم که خاطر ما بسفر و با دید پیمایی بدریا و خشکی مشغول بود، که بدایع ملل را به مشاهده اختصاصات اقالیم را به معاینه، توانیم دانست چنانکه...»<sup>۳۱</sup>

#### روش تجربه تفهیمی

روش مطالعه و شیوه پژوهش مسعودی، بلاشک، مبتنی بر مشاهدات عینی و مطالعات تجربی استوار بود. تجربه‌گرایی مسعودی تا بدین حد است که هر معنای رخداد و یا ساختار باوری را بایستی به محک واقعیت بسنجد و با معیار جهان خارج ارزیابی نماید. مثلاً در بحث مردم‌شناختی پیرامون مفهوم «عقدا در جوامع مختلف» به شیوه تجربی و طبیعت‌گرایانه تحقیق، چنین به نقادی می‌پردازد:

«... و از میان کسانی که در این ممالک مختلف دیده‌ام، یا خیرشان را شنیده‌ام، یکی نبود که بگوید عقدا را دیده است و شاید اسمی است که مسمی ندارد.»<sup>۳۲</sup>

این روش را می‌توان با تأکید زیر هم‌نوا دید:

۱. شیوه استقرایی: مسعودی بر آن بود که مطالعه اخبار گذشتگان با مراجعه به تاریخ و اخبار آن‌ها ممکن است، به شیوه‌ای که این اخبار بایستی یکایک از هر جامعه‌ای، هر کدام جداگانه، تألیف شود و به صورت شرح‌های توصیفی<sup>۳۳</sup> و تک‌نگارانه<sup>۳۴</sup> به دست آید. این کار تنها زمانی ممکن است که مراجعه مستقیم و مشاهده از نزدیک، یا شیوه استقرایی<sup>۳۵</sup> و تجربی<sup>۳۶</sup> به کار بسته شود. نگاه کنید:

«و هر اقلیمی را شگفتی‌هاست که فقط مردم آن دانند و آنکه در وطن خویش بیجا ماند و به اطلاعاتی که از اقلیم خود گرفته قناعت کند، با کسی که عمر خود را به

جهانگردی و سفر گذرانیده و دقایق و نقایس اخبار را از دست اول گرفته، برابر نتواند بود.»<sup>۳۷</sup>

همین تأکید مسعودی بر داده‌ها و منابع دست اول<sup>۳۸</sup> برای تشخیص «دقایق و نقایس» نشان‌دهنده روش استقرایی و تجربی اوست که در «وطن خویش» میسر نمی‌شود، بلکه پژوهش‌گر بایستی عمر خود را به جهانگردی و سفر بگذراند تا «شگفتی‌های» هر اقلیمی را که «فقط مردم آن دانند» بشناسد. شیوه استقرایی مسعودی به شمای کلی روش طبیعت‌گرایانه‌ای بلومر بسیار شبیه است.<sup>۳۹</sup>

در شناخت ویژگی یک جامعه و توصیف تک‌نگارانه آن، ضمن حفظ اصل هم‌سنجی، در مطالعه باورهای فرهنگی درباره رابطه قیافه و خلق و خوی شخصیتی، پس از توصیف تک‌نگارانه، به نوعی هم به سوی تشکیل نظریه‌ای مردم‌شناختی سوی می‌گیرد. نگاه کنید:

«این مسایل خاص عربان است و غالب آن در دیگر اقوام نیست. البته کاهنی در اقوام دیگر بوده است، اما قیافه و زجر و تقال و تطیر که در غالب امور رایج است در غیر عرب نیست و در همه عرب نیز متداول نیست، بلکه خاص مردم هوشیار و مجرب و دقیق است و...»<sup>۴۰</sup>

در این توصیف تک‌نگارانه، که به خوبی با شیوه هم‌سنجی آمیخته شده، نوعی گرایش به سوی تشکیل نظریه مردم‌شناختی دیده می‌شود که پس از این مورد بررسی بیشتری قرار می‌گیرد.

۲. شیوه هم‌سنجی<sup>۴۱</sup> یا تطبیقی: دیگر خصیصه روش مطالعه مسعودی هم‌سنجی داده‌ها و اخبار گذشتگان و یا مردم موجود در جوامع تحت مطالعه و مشاهده با دیگر جوامع و از سویی، هم‌سنجیدن اخبار و داده‌های یک متن با دیگر متون است. نگاه کنید:

«مردم سلف و خلف در تاریخ و حوادث کتابها آورده‌اند که بعضی به صواب و بعضی دیگر به خطا رفته‌اند و هر یک به قدر توان خویش کوششی کرده و... (پس) هر کس کتابی تألیف کند به معرض دید کسان باشد، اگر نکو کرده تمجیدش کنند و اگر بد آورده عیبش گویند... و هم با شاهان مختلف که اخلاق متفاوت و مقاصد گوناگون داشتند و دیارشان دور از هم بود گفتگو داشتیم و با آنها هم سخن شدیم... با قطار جهان رو نهاده و چون خورشید گاهی در مشرق اقصی و زمانی در غرب...»<sup>۴۲</sup>

و یا پیرامون اعتقادات مردم در رابطه میان خصصت‌های ظاهری والدین و فرزندان در قوم عرب، اقوال و باورهای فرهنگی موافق و مخالف را مطرح کرده، نظر بزرگان آن دیار را ذکر نموده و سپس با اخلاق علمی تجربی و بی‌طرفی در گزارش داده‌ها می‌نویسد:

«در آنجا با وجود عدم شباهت حکم به الحاق نسب



کرد و در اینجا شباهت را مناط الحاق ندانست و حکم بستر را معتبر دانست و حکم شباهت را باطل دانست. مقصود از این باب همین گفتگو بود و این تفضیل را یاد کردیم که حکم مخالف قیافه را نیز بیآوریم.<sup>۳۳</sup>

۳. فهم‌گرایی و پدیدارگرایی: تأکید مسعودی در مطالعه موردی و یا میدانی<sup>۳۴</sup>، شیوه‌ای که بتوان به داده‌هایی رسید که «فقط مردم» آن دیار می‌دانند و این مطالعات و داده‌های «دست اول» را مناط و ملاک بررسی قرار دادن، به ویژه این معنا که «حوادث جالب از هوشمند نماند، که هر کس به قسمی از آن توجه دارد»<sup>۳۵</sup>، نشان‌دهندهٔ علاقه و تأکید مسعودی به دیدگاه‌های روش‌شناختی درون‌گرایانه<sup>۳۶</sup> و تمایلات پدیدارگرایی<sup>۳۷</sup> است.

چشم انداز انسان‌شناختی<sup>۳۸</sup>: ایستایی‌شناسی

یکی از پرسش‌های بنیادین در مردم‌شناسی و به مراتب انسان‌شناسی، پیرامون مسئلهٔ چگونگی تشکیل هنجارها، عناصر<sup>۳۹</sup> و مجموعه‌های فرهنگی<sup>۴۰</sup>، در تاریخ هر ملتی است. در تاریخ اندیشه‌ها و نظریات انسان‌شناختی و مکاتب مربوط به آن، مهم‌ترین جدال بر سر پرسش بالا را می‌توان میان مکاتبی چون تکامل‌گرایی<sup>۴۱</sup>، تراوش‌گرایی<sup>۴۲</sup>، ویژه‌گرایی تاریخی<sup>۴۳</sup> و ساختی-کارکردی یافت<sup>۴۴</sup>. از میان مکاتب فوق مکتب ویژه‌گرایی بواس<sup>۴۵</sup> را بدین سبب که شناخت هر جامعه را در گرو معرفت به مختصات ویژهٔ هر جامعه و در هر مقطعی از زمان می‌داند، می‌توان یکی از مبانی عمومی از مکاتب انسان‌شناسی نزدیک به اندیشه‌های مسعودی دید؛ به ویژه علاقه‌ای که مسعودی به گزارش‌های توصیفی تک‌نگارانه و «از دید مردم» و یا درون‌گرایانه داشت، این رابطه و شباهت را بیشتر میان وی و بواس هویدا می‌ساخت.

مسعودی بدین معنا، اگرچه در نفی اصول تکامل‌گرایی نکوشید، ولی در تأکید بر ویژگی‌های هر

فرهنگ و قضاوت نسبی‌گرایانهٔ هر کدام به شکل مجزا، بیشترین رابطهٔ نزدیک و معناداری را با این مکتب فکری از خود نشان داد. ما شواهد این مطلب را در کارهای مسعودی ضمن شرح جستار روش‌شناسی وی باز نمودیم. ولی گرایش به دو چشم‌انداز دیگر در میان مکاتب انسان‌شناسی را نیز می‌توان در اندیشه‌های علمی و عینی مسعودی شناخت: یکی گرایشات تکامل‌گرایی، و دیگری تراوش‌گرایی.

#### تقابل تکامل‌گرایی و تراوش‌گرایی

مسعودی در خلال توضیح و تشریح چگونگی اختلاف و گونه‌گونی هنجارها و قوانین فرهنگ‌های جوامع و به دلیل روحیهٔ بی‌طرفی روش‌شناختی، سعی دارد تا هر فرضیه‌ای را مورد بررسی قرار دهد. از میان مثال‌های فراوان وی می‌توان به شرح مسئلهٔ تفال و تطیر (فال نیک و بد) در جوامع مختلف اشاره نمود. مسعودی با به‌کارگیری شیوهٔ هم‌سنجی، مسئلهٔ تفال و تطیر را نخست در قوم عرب بررسی کرده و سپس نمونه‌های آن را در دیگر جوامع نیز به مدد مشاهدهٔ جوامع و مطالعهٔ اسناد تاریخی در می‌یابد.

همان‌گونه که در پیش هم آمد، او نخست مسئلهٔ تفال و تطیر را خاص مردم عرب می‌داند:

«این مسائل خاص عربان است و غالب آن در دیگر اقوام نیست. البته کاهنی در اقوام دیگر بوده است. اما قیافه و زجر و تفال و تطیر که در غالب امور رایج است در غیر عرب نیست و در همهٔ غرب نیز متداول نیست، بلکه خاص مردم هشیار و مجرب و دقیق یافت شود»<sup>۴۶</sup>

در جملهٔ بالا مسعودی در شرحی هم‌سنجی گونه، سعی در توصیف مختصات قومی عرب، در برابر دیگر اقوام دارد. ولی در دنبالهٔ بحث فوق سعی در تبیین<sup>۴۷</sup> وجود و شیوع تفال و تطیر در دیگر جوامع داشته و به همین دلیل به دو پاسخ که هر کدام معرف یکی از مکاتب تکامل‌گرایی و تراوش‌گرایی است می‌پردازد.

۱- پاسخ تراوش‌گرایانه: مسعودی در دنبالهٔ بحث فوق شرح خود را از چگونگی شیوع تفال و تطیر چنین کامل می‌کند: «و اگر (تفال و تطیر) در بعضی اقوام دیگر مانند فرنگان و اقوام مجاور ایشان یافت شود ممکن است به روزگاران قدیم از عرب گرفته باشند، زیرا عربان به نواحی مختلف مهاجرت کرده‌اند و زبانشان به گشته و با اقوامی که ما بین آنها سکونت گرفته‌اند متناسب شده‌اند. بنابراین ممکن است فرنگان و دیگر اقوامی که این رسوم را دارند پس از اسلام از اقوام عرب که در مجاورت ایشان در دیار اندلس و ارض کبیر تعمیم شده‌اند گرفته باشند»<sup>۴۸</sup>

در شرح فوق پیرامون تبیین چگونگی وجود رسم





چند نکته ذیل توجه کرد:

۱. در مباحث هستی‌شناختی و مواردی که به مفاهیم حساس در ایستایی‌شناسی مربوط می‌شود، تمایلی شدید به شیوه امامیه دارد، به ویژه در برتری رهبری اهل بیت علیهم السلام.

۲. در مباحث روش‌شناسی علاوه بر گرایش‌های روشن به عین‌گرایی و واقع‌گرایی استقرایی، به موازین روش‌شناختی تفهیم‌گرایی و به ویژه پدیدارگرایی، بسیار نزدیک شده است.

۳. در مباحث نظری انسان‌شناسی، گرایش متعصبانه به هیچ کدام از مکاتب نشان نمی‌دهد؛ ضمن آن که سعی می‌کند تا از بهترین تعابیر موجود در هر گونه گرایش احتمالی نظری، بهره‌ای متناسب بگیرد، همان گونه که توانست از مکانیسم‌های متناسب هر دو مکتب تکامل‌گرایی و تراوش‌گرایی، بجا، بهره‌های مفید بگیرد.

پانوشته‌ها:

1. Hunter D. E. And P. Whitten. "Encyclopedia Of Anthropology. New York: Harper and Row, Publishers, 1976.

۲. در مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. مروج الذهب، جلد

اول، پیشگفتار ناشر؛ پنج.

۳. همان جا؛ ۲۳.

۴. همان جا، ۲۸.

۵. همان جا، ۳۰.

۶. جناب مولانا ملا سلطان محمد سلطان‌الملک گنابادی، سعادتنامه، چاپ افسر، دوره ناصری.

۷. همان جا، ۷۸۵.

۸. مسعودی، همان جا.

۹. همان جا.

۱۰. همان جا، ۹ و ۸.

۱۱. همان جا، ۸ و ۷.

۱۲. همان جا، ۶.

13. Ethnography

14. Historical Approach

15. Survey Or Now Approach

۱۶- همان جا، ۸

۱۷- همان جا، ۳. این جمله به ویژه اصالتی پدیدارشناختی دارد.

18. Historical Pecularity

19. Relativism

20. Historical Particularism

۲۱. همان جا، ۳۷۹.

22. Descriptive

23. Monographic

24. Deductive

تقال و تطیر، مسعودی از اصطلاحات و مکانیسم‌هایی بهره گرفته که امروزه در اصطلاح‌شناسی<sup>۴۹</sup> مکتب تراوش‌گرایی از اهمیتی بی‌چون برخوردارند. مسعودی در شرح فوق می‌گوید اگر بخواهیم علت وجود چنین رسمی را تبیین کنیم می‌توانیم بگوییم که دیگر اقوام از عربان این رسوم را گرفته باشند<sup>۵۰</sup>، زیرا که عربان به دیارهای مجاور مهاجرت کرده و به همین دلیل از «زبان» آن قوم، مفاهیم ارزشی نمادهای رسوم فوق، به کشورهای «مجاور» رخنه و یا تراوش کرده باشد.

بنابر نظریات عمومی مکتب تراوش‌گرایی<sup>۵۱</sup>، عناصر فرهنگی از طریق مکانیسم «مهاجرت» می‌توانند از «مرکزیت فرهنگی»<sup>۵۲</sup> به تدریج به اطراف و در شعاع‌های متحدالمرکزی شیوع پیدا کرده و در نمادهای فرهنگی اقوام دیگر، فرهنگ مادی<sup>۵۳</sup>، و یا نامادی<sup>۵۴</sup>، مثل زبان، متبلور شود و بدین وسیله عناصر فرهنگی و آداب و رسوم توسط دیگر ملل «اخذ» و یا «گرفته» شود. می‌بینیم که مسعودی به خوبی توانسته است فرضیات پایه‌ای این مکتب را در داده‌های خود ردیابی کند.

۲. پاسخ تکامل‌گرایانه: در دنباله متن فوق، مسعودی در پاسخ به چگونگی شیوع رسم فوق در میان غیر اعراب به فرضیه دیگری نیز متوسل می‌شود که ضمن تصریح چشم‌انداز علمی و چند بُعدی مسعودی، اشاره به شناخت فرضیه‌های تکاملی در اندیشه‌های وی دارد. نگاه کنید:

«... و اگر (تقال و تطیر) پیش از ظهور اسلام بوده است به همان ترتیبی که گفتم گرفته‌اند. (یعنی فرضیه تراوشی؛ ولی) شاید هم خدا عزوجل همان طور که این رسوم را به عربان داده به اقوام غیر عرب نیز داده است که این در حدود امکان است و از حدود واجب و مستنح بیرون است»<sup>۵۵</sup>.

در نظریات عمومی مکتب تکامل‌گرایی این فرض مسلم<sup>۵۶</sup> مورد قبول همگان است که تکامل از طریق مکانیسم «اختراع»<sup>۵۷</sup> و شیوه «تکامل موازی»<sup>۵۸</sup> در جوامع مختلف، به تشابه رخ می‌دهد<sup>۵۹</sup> که البته این همه از نظر مسعودی موحد، به تفضل خدای تعالی ممکن می‌شود. بنا بر متن فوق مشیت خداوند قوه «اختراع» رسم تقال و تطیر را، همان گونه که به قوم عرب بخشید، به دیگر اقوام هم عطا فرموده و بنابراین همه اقوام، نه از طریق مهاجرت و یا اخذ و گرفتن، بلکه به شیوه «اختراع مستقل»<sup>۶۰</sup> رسم تقال و تطیر که مبتنی بر اصل «وحدت روان‌شناختی»<sup>۶۱</sup> است در فرایند تکامل موازی، یا تکامل همه جوامع در مسیرهای مشابه و موازی در می‌افتند.

واری آخرین

در واری آخرین از اندیشه‌های مسعودی می‌توان به



۲. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. ۱۳۷۰. مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.  
 ۳. معین. م. ۱۳۷۱. فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.

#### منابع خارجی:

1. Bulmer, H. *Symbolic Interactionism: Perspective and Method*. N. J: Prentice - Hall, 1969.
2. Harris M. *The Rise Of Anthropological Theory*. New York: Random House, 1968.
3. Hunter D. E. And P. Whitten "Encyclopedia Of Anthropology", New York: Harper and Row, Publishers, 1976.
4. Kaplan D. and R. A. Manners. *Culture Theory*. Englewood Cliffs, N. J. : Prentice - Hall, 1972.
5. Langness L. L. *The Study Of Culture*. San Francisco: Chandler and Sharp, 1977.

## Abstract

Masudi in Guarding The Science Of Anthropology

Following Some Encyclopedias Of Anthropology Which Try to Show Historical (Historians) Vanguards In The Science Of Anthropology Even From The Years before Christ, This Paper also Tries to Introduce One Of The Eastern Historian Vanguards In The Field.

This Historian is Abolhasan Ali - Ibn - Hosein Masudi, The Author Of *Moravvey - Oz - Zahab*.\*

In The Ontology Part Of The Paper, Masudis Religius Trend Has been Indicated, And In The Methodology Part, His Basic Interest In Scientific Concepts, Inductive Logic, Field Studies and The Understanding and Phenomenological Models Have been Shown; and Finally, In The Social Statics Part, His Attention To Ethnological Explanations Toward The Bases Of Evolutionary and Diffusionary Schools Has been Described.

\* املاى لاتین نام کتاب از: معین. م. فرهنگ فارسی، جلد ۶ تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱، ۱۹۵۸

25. Empirical
26. همان جا، ۴.
27. Primary Sources, Data.
28. Blumer H. *Symbolic Interactionism : Perspective and Method*. N. J.: Prentice - Hall, 1969.
29. همان جا، ۵۱۹.
30. Comparative
31. مسعودی، مروج الذهب. ۲ و ۸ و ۴.
32. همان جا، ۵۲۴.
33. Field Study
34. همان جا، ۳.
35. Emic
36. Phenomenologism
37. Anthropological Perspective
38. Cultural Traits
39. Cultural Complex
40. Evolutionism
41. Diffusionism
42. Historical Particularism
43. Harris M. *The Rise Of Anthropological Theory*. New York: Random House, 1968.
44. Boas F.
45. همان جا، ۵۱۹.
46. Explanation
47. همان جا، ۲۰ و ۱۹.
48. Terminology
49. Acquisition
50. Culture Center
51. Material Culture
52. Non - Material Culture
53. همان جا، ۵۲۰.
54. Pastulation
55. Invention
56. Parrallel Evolution
57. Kaplan D. and R. A. Manners. *Culture Theory*. Englewood Cliffs. N, J: Prentice - Hall, 1972.
58. Ibid, Also: Langness L. L. *The Study Of Culture*. San Francisco: Chandler and Sharp, 1977.
59. Independent Invention
60. Psychic Unity

#### منابع فارسی:

۱. مولانا ملا سلطان محمد سلطان علیشاه گنابادی. «سعادتنامه». چاپ از چاپ خطی. دوره ناصری.